

بررسی بازتاب جلوه‌های فرهنگ عامه (فولکلور)

در داستان‌های جلال آل احمد

اکبر شاملو جانی‌یک*

دریافت مقاله:

۹۱/۱۱/۱۶

پذیرش:

۹۱/۱۲/۲۵

چکیده

با رواج داستان‌نویسی نوین و تغییر زبان و سبک نوشتار و ورود درون‌مایه‌های جدید به عرصه ادبیات داستانی، داستان و رمان نیز پذیرای فرهنگ عامه شد. این مسائل در کنار یکدیگر باعث توجه پژوهشگران و نویسندگان به فرهنگ توده مردم گشت. یکی از این رویکردها بررسی تأثیر فرهنگ بومی و عامه شامل گویش، آداب و رسوم محلی، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های بومی و... است. ادبیات داستانی امروز به دلیل الهام گرفتن از زندگی مردم عادی و پرداختن به مشکلات، دغدغه‌ها و گرفتاری‌های این قشر از جامعه، تا حد زیادی تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ عامیانه قرار گرفته است. جلال آل احمد با به کارگیری این عناصر گامی در جهت زنده کردن و زدودن غبار از چهره این عناصر برداشت. وی با تیزبینی خاص یک نویسنده در برخی از داستان‌های خود و با توجه به شخصیت‌ها و فضای داستان از عناصر فرهنگ عامه استفاده کرد. داستان‌های مجموعه «نفرین زمین»، «زیارت»، «تابوت»، «نون و القلم»، «سمنوپزان»، «ای لامس سبأ»، «مدیر مدرسه»، «سنگی بر گوری» و «الگمارک و المکوس» دارای بیش‌ترین بسامد کاربرد عناصر فرهنگ عامیانه (فولکلور) هستند. آل احمد در داستان‌های تمثیلی و واقع‌گرایانه خود به طرح مشکلات و مسائل سیاسی و اجتماعی ایران و مردم پرداخت. توجه به این نوع مسائل موجب شد تا بیشتر شخصیت‌های داستان‌های او را مردم عادی تشکیل بدهد. با توجه به مطالب فوق و همچنین گستردگی و اهمیت ادبیات داستانی ایران، این پژوهش بر آن است که بازتاب فرهنگ عامه را در آثار داستانی جلال آل احمد بررسی و ارزیابی کند.

کلیدواژه: جلال آل احمد، آثار داستانی، فرهنگ عامه، زبان عامیانه.

مقدمه

فرهنگ عامه تا پیش از ورود فرهنگ و تمدن غرب به ایران، مانند بسیاری از مسائل دیگر چندان مورد توجه نبود و اغلب روشنفکران و نویسندگان، آن را به دلیل اینکه در بین مردم عادی جریان دارد، حقیر می‌شمردند و از پرداختن به آن دوری می‌کردند. با رواج داستان‌نویسی نوین و تغییر زبان و سبک نوشتار و ورود درون‌مایه‌های جدید به عرصه ادبیات داستانی، داستان و رمان نیز پذیرای فرهنگ عامه شد. این مسائل در کنار یکدیگر باعث توجه پژوهشگران و نویسندگان به فرهنگ توده مردم گشت. «فولکلور در مغرب زمین از باستانی‌ترین و حتی داستانی‌ترین ادوار تمدن یونان و روم تا قرون جدید، الهام‌بخش بسیاری از نویسندگان، شاعران، نمایش‌نامه‌نویسان و پژوهندگان بوده است.» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۲)

محمدعلی جمال‌زاده (۱۲۷۰-۱۳۷۴ هـ. ش) نخستین نویسنده ایرانی است که به کاربرد فرهنگ بومی و عامه در داستان علاقه نشان داد. اما او فرهنگ بومی را به گویش‌ها و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های محلی منحصر کرده است، تا جایی که آثار وی گنجینه‌ای از تعابیر و اصطلاحات عامیانه محسوب می‌شود. بعد از جمال‌زاده، نویسنده‌ای که با جدیت و دقت بسیار به فرهنگ عامه در معنا و مفهوم کامل آن توجه نشان داد، صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ هـ. ش) بود. وی معتقد بود فرهنگ عامه نزد مللی یافت می‌شود که دارای دو قشر تحصیل‌کرده و روشنفکر با تربیت عالی و قشر بی‌سواد و عامی هستند. این دو قشر با تعامل و زندگی در کنار یکدیگر فرهنگ عامه را تقویت می‌کنند و به آن شکل می‌دهند.

اما نویسنده دیگری که در داستان‌های خود از عناصر فرهنگ عامه استفاده کرد، جلال آل احمد بود که با به کارگیری این عناصر، گامی در جهت زنده کردن و زدودن غبار از چهره این عناصر برداشت.

وی با نگرشی خاص در بسیاری از داستان‌های خود و با توجه به شخصیت‌ها و فضای داستان به صورتی مطلوب از عناصر فرهنگ عامه بهره برد.

آثار داستانی آل احمد

جلال آل احمد کار نویسندگی را با نوشتن داستان کوتاه آغاز کرد. اولین اثر وی به نام «زیارت» در سال ۱۳۳۲ در مجله «سخن» چاپ شد. نام آثار دیگر آل احمد عبارتند از:

- دید و بازدید: ۱۳۲۴
 - مجموعه از رنجی که می‌بریم: ۱۳۲۶
 - مجموعه سه تار: ۱۳۲۷
 - مجموعه زن زیادی: ۱۳۳۱
 - دو داستان بلند سرگذشت کنسوها و مدیر مدرسه: ۱۳۳۷
 - داستان بلند نون و قلم: ۱۳۴۰
 - داستان بلند نفرین زمین: ۱۳۴۶
- مجموعه‌های دیگری از داستان کوتاه با عنوان‌های پنج داستان و چهل طوطی نیز در سال ۱۳۵۰ چاپ شد. آخرین داستان بلند آل احمد سنگی بر گوری نام دارد که در سال ۱۳۶۰ منتشر گشت. (شیخ رضایی، ۱۳۸۲: ۱۹)

سابقه پژوهش در مورد فولکلور

برای جمع‌آوری اصول و منابع ادبی و دانش عامیانه، از قرن‌ها پیش در اروپا بدون اینکه جنبه تحقیقی به معنی فعلی کلمه وجود داشته باشد، کوشش‌های شایسته‌ای صورت می‌گرفت؛ بدین معنی که عده‌ای از دانشمندان و نویسندگان در کنار ادبیات مکتوب و رسمی ملل و به عنوان سرگرمی، شروع به جمع‌آوری ادبیات عامیانه‌ای کردند که معمولاً در جایی نوشته نشده بود و در بین توده مردم سینه به سینه منتقل می‌شد. در قرن پانزدهم، رابله نویسنده، طبیب و کشیش معروف فرانسه، شوخی‌ها و هزلیات

نامگذاری به پژوهش آثار رایج در اشعار، سنت‌ها، افسانه‌ها، آداب و رسوم و باورهای مردم از زمان‌های دور پرداختند.

با توجه به نظریات مختلفی که در زمینه موارد شمول فولکلور و قلمرو آن وجود دارد، می‌توان گفت که: «فولکلور در ابتدا محدود به ادبیات شفاهی بود و معمولاً از قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازهای محلی، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها تجاوز نمی‌کرد. مطالعه کنندگان فولکلور به تدریج دامنه کنجکاو علمی خود را توسعه دادند و آداب و رسوم و معتقدات عامیانه را نیز به قلمرو فولکلور افزودند و کم‌کم تکنیک‌ها و هنرهای عامیانه را نیز وارد آن کردند؛ زیرا اعتقادات و باورهای عامیانه از تکنیک و هنر و همچنین از کاربرد و اجرای اعمال مربوط به آن جدا شدنی نیست. بدین ترتیب، وسعت دامنه رفتار و اعمال عامیانه و سنتی اقوام و جوامع، زمینه‌های مختلف و متنوع زندگی روزمره مانند نوع ساختمان (خانه، انبار، عبادتگاه)، ابزار تولیدی و تکنیک و هنر عامیانه (پارچه‌بافی، سفالگری، نجاری)، خوراک و پوشاک، جشن‌ها و بازی‌ها، اسباب‌بازی‌ها، اعتقادات و طب عامیانه، ادبیات عامیانه (شعر، ضرب‌المثل، قصه، موسیقی، رقص، گویش‌های قراردادی و صنفی، نام‌ها و ...)، جشن‌های مربوط به فصل‌های مختلف سال، کشت و زرع و مراسم مربوط به گذرگاه‌های مراحل زندگی (تولد، ازدواج و مرگ) را دربرگرفت.» (روح‌الامینی، ۱۳۶۴: ۲۵۷-۲۵۸)

جامعه دانشگاهی و پژوهشگران کشور ما نیز درباره تعریف، موضوع و قلمرو فولکلور با یکدیگر وحدت نظر ندارند و با دشواری‌هایی روبرو هستند. مثلاً در تعریف فولکلور میان خود فولکلوریست‌ها از سویی و میان مردم‌شناسان و فولکلوریست‌ها از سویی دیگر اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای دامنه موضوعی و تحقیقی دانش فولکلور را خیلی وسیع می‌بینند و آن را مانند مردم‌شناسی شامل همه رفتارهای اجتماعی و فرهنگی عامه مردم می‌دانند. این گروه «فرهنگ

متداول میان عامه را جمع‌آوری کرد و آنها را از خلال آثار عتیق بیرون کشید و همراه با تفسیرهایی که امروز نیز راهنمای محققان فولکلور است، منتشر کرد. (روح‌الامینی، ۱۳۶۴: ۲۵۴)

در یونان و روم باستان نیز نویسندگان به آداب و رسوم و سنن مردم توجه خاصی داشته‌اند؛ اما دانش راستین فولکلور از سده هفدهم میلادی آغاز می‌شود. در انگلستان «توماس براون» با کتاب بررسی درباره اشتباهات عمومی و عامیانه، در فرانسه «ژان پاتیست تارونیه» با «رساله اوهام و خرافات»، در اسکاتلند «جیمس ماکفرسن» با کتاب قطعاتی از اشعار قدیم که در مرتفعات اسکاتلند گردآوری شده است و در آلمان «هردر» و برادران «گریم» با «حکایات عامیانه که شهرت جهانی دارد» از پیشگامان این دانش به شمار می‌روند. در قرن نوزدهم، نخستین بار در انگلستان «وی. جی. توماس» کلمه فولکلور را به کار برد و نخستین کنگره بین‌المللی فولکلور در سال ۱۸۸۶ م. تشکیل شد. (ماسه، ۲۵۳۷: ۲۸-۲۹)

قلمرو فولکلور

بعد از آنکه توماس^۱ پیشنهاد خود را مبنی بر جایگزینی فولکلور با ادبیات عامه مطرح کرد، ابتدا واکنش‌هایی نشان داده شد و ایرادهایی چون نامتجانس بودن ترکیب این کلمه بر آن وارد کردند، ولی در نهایت این واژه مورد پذیرش قرار گرفت. امروزه مفهومی که از کلمه فولکلور برداشت می‌شود با نظر توماس تفاوت دارد. به نظر وی، فولکلور گردآوری موادی از مردم در حوزه اشعار عامیانه، معتقدات و باورها است؛ اما امروزه مفاهیم دیگری را دربرمی‌گیرد و حوزه تخصص کسانی را که در پی گردآوری آثار عامیانه هستند نیز شامل می‌شود. نقش عمده توماس، تثبیت این اصطلاح بود و بی‌شک بررسی‌ها و مطالعات وی موضوع فولکلور را به طور کامل دربر نمی‌گیرد. محققان و پژوهشگران انگلیسی، فولکلور را «علم سنن» نامیدند و به واسطه همین

مادرکم چهار تا تکه جهاز راه انداخت. (زن زیادی، «زن زیادی»: ۱۷۴)

- دست به دست دادن عروس و داماد

شب شام که خوردیم ما را دست به دست دادند و بردند. (همان: ۱۷۵)

- طواف دادن کفن در کربلا

یک دست خلعت برد یمانی تهیه کنم و آن را طواف بدهم و بعد هم وصیت کنم که مرا کجا دفن کنند. (دید و بازدید، «زیارت»: ۴۴)

۲-۱. آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی

- خوردن ۴۰ نطفه تخم مرغ برای باروری

خیال می‌کنی روزی ۴۰ تا نطفه تخم مرغ فراهم کردن کار آسونی بود. (زن زیادی، «سمنویان»: ۳۵)

- عرق بیدمشک برای عصبانیت

آب سرد، عرق بیدمشک، سیگار پشت سیگار فایده نداشت. (مدیرمدرسه: ۱۱۸)

۳-۱. آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی

- آب تربت و درمان تب تیفوس

پارسال پس از ۱۳ روز که در تب تیفوس می‌سوخت، با یک قطره از آب همین تربت ... شفا یافته بود. (دید و بازدید، «زیارت»: ۴۱)

- آب دعا برای بیمار نشدن

به مردم آب دعا می‌داد. همه تبرک می‌کردند که تا آخر سال بیمار نشوند. (دید و بازدید، «دید و بازدید»: ۱۵)

- احیاء گرفتن در شب قدر

نمی‌دانست چطور خواهد توانست تا صبح بیدار بماند و احیاء بگیرد. (دید و بازدید، «افطار بی‌موقع»: ۵۱)

- احترام به ادعیه

دعا را ... ماچش می‌کردند و روی پیشانی می‌گذاشتند و ... نگهش می‌داشتند. (دید و بازدید، «معرکه»: ۱۱۷)

عائمه» یا «فرهنگ مردم» یعنی مجموعه دانش‌ها، فنون، هنرها، ادبیات، آیین‌ها، آداب و رسوم، جشن‌ها، سرگرمی‌ها، بازی‌ها و ... مردم را که به صورت شفاهی و تقلیدی در جامعه انتقال می‌یابد، از موضوعات تحقیقی دانش فولکلور می‌دانند. شماری دیگر که تعدادشان اندک است، موضوع فولکلور و حوزه تحقیقی آن را به ادبیات شفاهی یا ادبیات عامه محدود می‌کنند. این گروه فولکلور را هنر کلامی یا هنر زبانی مردم می‌دانند و این نوع هنر شفاهی را در جامعه‌های ایلی، عشایری، روستایی و شهری بررسی و مطالعه می‌کنند. (بلوک‌باشی، ۱۳۷۷: ۱۱)

بررسی کاربرد عناصر فولکلوریک در داستان‌های جلال آل احمد

عناصر فولکلوریک به کار رفته در داستان‌های آل احمد را می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم کرد که عبارتند از:

۱. آداب و رسوم و اعتقادات، شامل: آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی، پزشکی، مذهبی و خرافی؛ ۲. اشعار و ترانه‌های عامیانه؛ ۳. بازی‌ها؛ ۴. ضرب‌المثل‌ها.

در این بخش ذیل دسته‌بندی مذکور، به شواهدی از متن آثار آل احمد اشاره خواهیم کرد و در پایان با ارائه جدول آماری، میزان و چگونگی کاربرد عناصر فولکلوریک را در داستان‌های او نشان خواهیم داد. لازم به ذکر است که زبان عامیانه و کاربرد آن را در داستان‌های جلال به عنوان بخشی از فولکلور در بخشی جدا مورد بررسی قرار خواهیم داد و به علت بسامد بالای کاربرد آن از ارائه جدول آماری در مورد آن خودداری می‌کنیم.

۱. آداب و رسوم و اعتقادات

۱-۱. آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی

- جهاز دادن

۱- اذان گفتن در گوش

بعضی هم که آشنایی بیشتری داشتند، تا در گوشم اذان نمی گفتند و یکی دو آیه مأثوره در گوش راستم نمی خواندند و...

ممکن نبود دست از سرم بردارند. (دید و بازدید، «زیارت»: ۳۱-۳۲)

۱-۴. آداب و رسوم و اعتقادات خرافی

۱- آب مرده شورخانه را روی سر ریختن برای باردار شدن

...روز چهلم آب مرده شورخانه را روی سر ریختن! تصورش را هم نمی شود کرد. (سنگی بر گوری: ۳۵)

۲- انداختن طلسم در آب انبارخانه برای از چشم

انداختن هوو از چشم شوهر

همچی که از جلوش رد می شدم، انداختمش

تو آب انبار. (سنگی بر گوری: ۳۵)

۲. اشعار عامیانه

قربون برم خدارو

توپ قلندرا رو

توپ قلندرونه

خونۀ شما ویرونه

(نون والقلم: ۵۰)

۳- مثل پیش تر، نم زنوم م م تیرو ورنشونه

با لومه چرخ اشکنه، ده ه ه لومه زمونه

۳. بازی‌ها

۱- به خصوص برای بچه‌ها که جز قاپ بازی و جفتک چارکش سرگرمی دیگری نداشتند. (نون والقلم: ۱۵۰)

۲- پس چه بازی‌هایی بلدی؟ گفت: قایم باشک آقا و... دوزبازی و... درنا بازی آقا و... همین. (نفرین زمین، «میزان»: ۱۶)

۴. ضرب‌المثل

۱- هر چیز به جای خویش نیکوست. (یک چاه و دو چاله: ۱۸)

۲- هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند. (همان: ۴۷)

۳- هشتشان گروی نه است. (دید و بازدید، «ای لامس سبأ»: ۱۳۸)

۴- همان آش و همان کاسه. (نون والقلم: ۱۸۹)

۵- همکار چشم دیدن همکار را ندارد. (همان: ۱۱)

۶- هیچ بده را به هیچ بستان، کاری نیست (یک چاه و دو چاله: ۳۲)

جدول آماری کاربرد عناصر فرهنگ عامه در داستان‌های جلال آل احمد

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	نفرین زمین
۴	—	۱۵	۷	۴	۲	۵	میزان
۱	—	۸	۸	۷	۲	۹	عقرب
—	—	۹	۱۱	۵	۱	۴	قوس
—	—	۶	—	—	۱	۴	حمل
—	۱	۸	۲	۳	—	۷	ثور
—	—	۴	۲	۱	—	۴	کوسه برنشین

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	دید و بازدید
—	—	—	۲	—	—	۴	دید و بازدید
—	—	—	۴	۲	—	۲	گنج
—	—	—	۱۳	—	—	۸	زیارت
—	—	—	۵	—	—	—	افطار بی‌موقع
—	۲	—	۱	—	—	—	گلدان چینی
—	—	—	۱۱	—	—	۹	تابوت
—	—	—	۲	—	—	۴	شمع قدی
—	—	۱	—	۱	۱	۱	تجهیزات ملت
—	—	—	—	۱	—	۲	پستیچی
—	—	—	۴	۱	۱	—	معرکه
—	—	—	—	—	—	۱	دو مرده
—	۴	۴	۶	۱	—	۲	ای لأمس سبا

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	پنج داستان
—	—	—	۱	—	—	۲	گلدسته‌ها و فلک
۲	۱	—	—	۱	۱	۱	جشن فرخنده
—	۲	—	—	۱	۱	—	خواهرم و عنکبوت
—	—	—	۱	—	—	—	شوهر آمریکایی
—	۳	—	۳	—	—	—	خونابه انبار

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	یک چاه و دو چاله
—	۱۱	—	—	—	—	—	

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	مدیر مدرسه
—	۱۵	—	—	۱	۱	۱	

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	از رنجی که می‌بریم
—	—	—	—	—	—	—	دره‌خزان زده
—	۱	—	۱	—	—	۱	در راه چالوس
—	—	—	—	—	—	—	اعتراف
—	—	—	۱	—	—	—	آبروی از دست رفته
—	—	—	—	—	—	—	روزهای خوش
—	۳	—	—	—	—	—	محیط تنگ
—	—	۱	—	—	—	—	زیرآبی‌ها

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	چهل طوطی
—	—	—	—	—	—	—	یاسوده وی و مهاجرت وی
—	—	—	—	۱	—	—	بانو و ماهی خندان
—	—	—	—	—	—	—	فرزند موعود
—	—	—	—	—	—	—	دویکا و شوهر ابلهش
—	—	—	—	—	—	—	زن و بیر
—	—	—	—	—	—	—	سوکه سپتاتی

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	سرگذشت کندوها
—	۷	۱	۱	—	—	—	

بازی‌ها	ضرب‌المثل	اشعار و ترانه‌های عامیانه	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	سنگی بر گوری
—	۸	—	۶	۱	۳	۳	

نوع و القلم	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	اشعار و ترانه‌های عامیانه	ضرب‌المثل	بازی‌ها
	۹	۱	۱۰	۷	۱	۲۹	۲

سه تار	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	اشعار و ترانه‌های عامیانه	ضرب‌المثل	بازی‌ها
بچه مردم	—	—	—	—	—	۲	—
وسواس	۲	—	۱	۳	—	—	—
لاک صورتی	۲	۱	—	۲	—	۵	—
وداع	—	—	—	—	—	—	—
زندگی که گریخت	—	—	—	—	—	—	—
آفتاب لب بام	—	—	—	۲	—	—	—
گناه	—	—	—	۱	—	—	—
نزدیک مرزون آباد	—	—	—	—	—	—	—
دهن کچی	—	—	—	—	—	—	—
آرزوی قدرت	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف حساب	—	—	—	۱	—	—	—
الگمارک و المکوس	۲	—	۱	۶	۴	۴	—

زن زیادی	آداب و رسوم و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی	آداب و رسوم و اعتقادات پزشکی	آداب و رسوم و اعتقادات خرافی	آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی	اشعار و ترانه‌های عامیانه	ضرب المثل	بازی‌ها
سمنویزان	۶	۲	۴	۲	—	۲	—
خانم نزهت الدوله	۶	—	۱	۱	—	—	—
دفترچه بیمه	—	—	—	—	—	۲	—
عکاس بامعرفت	—	—	—	—	—	—	—
خدا را زمان	—	—	—	—	—	۱	—
دزد دزده	—	—	—	۲	—	—	—
جاپا	—	—	—	۱	—	—	—
مسلول	—	—	—	—	—	—	—
زن زیادی	۶	—	—	—	—	۱	—

۵. زبان عامیانه

با نگاهی به فرهنگ‌های مختلفی که در زمینه زبان عامیانه نوشته شده، به این نتیجه می‌رسیم که تعریف دقیقی از زبان عامیانه که بر پایه آن بتوان مصداق‌های آن را در متنی بازشناخت، ارائه نشده است. در مقدمه «فرهنگ معاصر» آمده است: «هنوز مرزهای دقیق لغات عامیانه و رسمی در ادبیات ما همچون زبان انگلیسی و فرانسه روشن نیست و ما نیز نتوانستیم به نتیجه قطعی در تعیین چهارچوب درست لفظ عامیانه برسیم.» (ثروت و انزابی نژاد، ۱۳۷۷: ۶)

ابوالحسن نجفی نیز در مقدمه «فرهنگ فارسی عامیانه» با قائل شدن به سه سطح زبانی ادبی، رسمی و عامیانه تلاش کرده است تا مرز زبان عامیانه را نسبت به دو زبان دیگر مشخص کند. در جدولی که وی در این مورد ترتیب داده است، زبان عامیانه همراه با زبان روزمره (مجاوره) در زیرگروه زبان گفتار قرار گرفته است. وی برای زبان عامیانه نیز دو زیرگروه قائل شده است: زبان عامیانه در معنای متداول آن و زبان جاهلی. (نجفی، ۱۳۷۸: ۶) با این همه نجفی گفته است: «مرز میان زبان عامیانه و زبان روزمره و معیار را نمی‌توان به دقت مشخص کرد. تعیین مرز آنها اگر محال نباشد، بسیار دشوار است و به هر حال امری نظری و ذهنی است و در عین حال مرز ناتابتی است که پیوسته در معرض تغییر و تحول و جابه‌جایی است.» (همان: ۷)

به دلیل فقدان مرز معین میان زبان عامیانه و زبان رسمی و زبان ادبی، عده‌ای از منتقدان نیز برخی از مدخل‌های فرهنگ نجفی را مصداق عامیانه ندانسته‌اند. از جمله آنها بهاء‌الدین خرمشاهی است که به نظر او ترکیبات و اصطلاحاتی چون «امروز و فردا کردن»، «امروزه پسند»، «به امید خدا»، «انگار نه انگار»، «اهل و عیال»، «به باد رفتن»، «بار و بنه» و «بخت برگشته» اگر هم محاوره‌ای باشند، عامیانه نیستند. (خرمشاهی، ۱۳۷۹: ۳۶۷-۳۶۸)

به نظر علی محمد حق‌شناس هم در فرهنگ ابوالحسن نجفی «کلمات و ترکیبات از نوع «آشنایی»، «آشوب» یا «آزاده فلان» و «آفتاب کسی بر لب بام رسیدن» به وفور به چشم می‌خورد که همگی به مرتبه زبان گفتار معیار با صبغه ادبی تعلق دارند و هم کلمات و ترکیباتی از قبیل «آل و ابزار»، «بد دک و پوز» و ... غالباً به مرتبه زبان عامیانه با رنگ و مایه جاهلی متعلق‌اند.» (حق شناس، ۱۳۷۹: ۶۱)

از این اظهارنظرها دست کم چنین برمی‌آید که مفهوم اصطلاح عامیانه تا چه اندازه سیال و لغزان است. این مفهوم چندان مبهم و متغیر است که مصداقی از آن، در حوزه واژگانی یک فرد آشکارا عامیانه و در حوزه واژگانی فرد دیگر از عناصر زبان معیار و حتی ادبی شمرده می‌شود.

۵-۱. عناصر زبان عامیانه

همان‌گونه که صاحب‌نظران در مورد تعریف زبان عامیانه و تعیین مرزهای آن نسبت به زبان ادبی و رسمی اختلاف نظر دارند، در زمینه عناصر آن نیز دچار اختلاف هستند. غلامعلی حداد عادل در مقاله‌ای تلاش کرده است ترکیبات روزمره و ساخت آنها را شناسایی کند. وی الگوهای صرفی زیر را در ترکیبات عامیانه تشخیص داده است:

- استفاده از معنای یای آخر کلمه (گلدانی، جاکفشی)؛ های غیرملفوظ آخر کلمه (لبه، تیغه)؛ پسوند «_ک» (موشک، چشمک، خرک).

- استفاده از ترکیبات اضافی و وصفی با نشانه اضافه و بدون آن (با نشانه اضافه: چرخ خیاطی، آرد برنج؛ بدون نشانه اضافه: چرخ دنده، ترمز دستی).

- آوردن چند کلمه به دنبال هم بدون ادات ربط یا با ادات ربط (بدون ادات ربط: شتر گاو پلنگ، چلوکباب؛ با ادات ربط: من در آوردی، تو دل برو).

- ترکیباتی که معنای آنها از معنای اجزای آنها به دست نمی‌آید (سینه پهلوی، پیچ گوشتی).

۲-۵. بررسی عناصر زبان عامیانه در داستان‌های جلال آل

احمد

با توجه به مسائل مطرح شده در زمینه زبان عامیانه و عناصر آن مشخص می‌گردد که تا چه میزان تعیین مصداق‌های دقیق مفهوم «عامیانه» مشکل و دشوار است. به همین دلیل در نوشتار حاضر تنها مواردی به عنوان عنصر عامیانه پذیرفته شده است که در فرهنگ عامیانه معتبری که مقبول‌تر از دیگر فرهنگ‌هاست؛ یعنی در «فرهنگ فارسی عامیانه» تألیف ابوالحسن نجفی آمده باشد. بدین ترتیب عناصر یافته شده در داستان‌های آل احمد را ذیل عناوینی چون کلمه، ترکیبات و عبارات (اتباع، واژگان همگون، کنایه و...)، تعارفات، دعا، فحش، قسم و نفرین آورده‌ایم. در داستان‌های آل احمد به شکسته‌نویسی نیز عنوانی جداگانه اختصاص یافته و شیوه‌های شکسته‌نویسی در داستان‌های او توضیح داده شده است. لازم به ذکر است که به علت بسامد بالای این عناصر در داستان‌های وی، به ناچار بخشی از آن را به عنوان مثال ذکر می‌کنیم.

۱-۲-۵. واژه

- صفت

از من پیه‌ترو بدیخت‌تر نیست. (زن زیادی، «زن زیادی»؛ ۱۸۳)

این نره‌خر حالا دیگه باید برای خودش نان آور شده باشد. (مدیر مدرسه؛ ۷۸)

- صوت

ارور... صدا می‌داد. (سه تار، «دهنکچی»؛ ۹۹)

پقی می‌زد به خنده. (سه تار، «گناه»؛ ۶۸)

- عدد

اولین بار بود که در همچه جلسه پنچ شش‌نفری شرکت می‌کرد. (از رنجی که می‌بریم، «دره خزان زده»؛ ۳۰)

بیا دو سه تا بزَن شاید بخت و ازشه؟ (زن زیادی،

«سمنو پزان»؛ ۳۲)

- ترکیبات شاعرانه (آفتاب مهتاب، زشت و زیبا).

- ساخت اسم ابزار از اسم و بن مضارع فعل (در بازکن، سرعت‌گیر، درپوش).

- کلماتی که از افزودن صفت فرنگی به مشابه بومی آن ساخته می‌شوند (توت فرنگی، نخود فرنگی، گوجه فرنگی). (حداد عادل، ۱۳۸۲: ۴-۷)

به نظر نگارنده این مقاله، الگوهایی که در این قسمت به نقل از حداد عادل آورده‌ایم، هیچ کدام اختصاص به زبان عامیانه ندارد و چه بسا که این ساخت‌ها در زبان رسمی جای می‌گیرد. بار دیگر این نکته مشخص می‌شود که اصطلاح عامیانه و عناصر آن چقدر میان صاحب‌نظران متفاوت و متغیر است.

علی محمد حق‌شناس نیز در مقاله‌ای تلاش کرده است تا گونه‌هایی خاص از عناصر زبان عامیانه را مشخص و طبقه‌بندی کند. وی در ساخت آوایی کلمات و ترکیبات عامیانه، سه فرآیند قلب (قفل به جای قفل)، ابدال (نشت به جای نشد) و همگونی (مشد به جای مشهد) را تشخیص داده است. هم‌چنین در ساخت صرفی کلمات و ترکیبات عامیانه، فرآیندهای دوگانه سازی (بد دک و پوز) و ترکیب کلمه با مهمل آن (رخت و پخت) را بیان کرده است. به نظر حق شناس یکی دیگر از ویژگی‌های زبان عامیانه بهره‌گیری از ترکیب‌های لغوی در واژه‌سازی است (تازه به دوران رسیده، صد تا یک غاز). وی هم‌چنین صورت‌بندی معنی در قالب ساخت استعاری را یکی دیگر از ویژگی‌های زبان عامیانه دانسته است؛ مانند صورت‌بندی معنای «نو دولت» در قالب ساخت استعاری «تازه به دوران رسیده» یا صورت‌بندی معنای «کم عقل بودن» در قالب ساخت استعاری «عقل کسی پاره سنگ برداشتن». (حق شناس، ۱۳۷۹: ۶۲)

- ۲-۲-۵ ترکیب
- پیشوند + اسم
- آدم‌های بی‌دست و پایبی مثل معلم‌ها در آن نفس می‌کشند. (مدیر مدرسه: ۸۱)
- بی‌اهن و تلب نمی‌شود رفت. (نون والقلم: ۲۰)
- ترکیب (اسم + ی)
- کاسه بشقابی.... فریاد می‌زد. (سه تار، «لاک صورتی»: ۳۱)
- یک تخم کدویی داد می‌زد. (سه تار، «سه تار»: ۱۵)
- آوا (اسم + اسم)
- الو الو این چی بود. (از رنجی که می‌بریم، «دره خزان زده»: ۵۰)
- بعد ترق تورق پاشنه آنکه روی کف دالان می‌خورد... (سه تار، «گناه»: ۶۹)
- اتباع
- از پسرکم کاغذ ماغذی ندارین. (دید و بازدید، «دید و بازدید»: ۱۱)
- این دکتر مکتراها رو ول کن. (زن زیادی، «سمنو پزان»: ۳۵)
- واژگان همگون (در واژگان همگون، هر دو کلمه پایبی دارای معنی هستند.) (سرگذشت کندوها: ۷)
- آدم بی‌دست و پایبی نیست که نتواند زندگیش را ضبط و ربط کند. (همان: ۱۲)
- با چک و چانه بسته از پشت در، مدت‌ها به این منظره می‌نگریست. (از رنجی که می‌بریم، «محیط تنگ»: ۷۱)
- موصوف و صفت
- از بس حرف‌های قلمبه زد... (سرگذشت کندوها: ۴۹)
- این جادوگرهای قرتی از فرنگ برگشته. (سنگی بر گوری: ۳۹)
- مضاف و مضاف‌الیه
- بغض بیخ خرت را گرفته. (همان: ۶)
- پیه سوزش تا بوق سگ روشن بود. (نون والقلم: ۱۵)
- ۳-۲-۵ فعل مرکب
- آجر کردن
- می‌خواست نان امثال خودش را ندانسته آجر کند. (مدیر مدرسه: ۵۵)
- از و جز کردن
- هرچی از و جز می‌کنه.... مگه می‌تونه؟ (سه تار، «لاک صورتی»: ۳۲)
- ۴-۲-۵ کنایه
- آخه تخم مام تو این کوچه پس کوچه‌ها پس افتاده. کنایه از این که همین جا متولد شده‌ایم. (سه تار، «لاک صورتی»: ۳۴)
- آدم از زیر کار درروی هستم. کنایه از تنبلی (نون والقلم: ۱۲۶)
- ۵-۲-۵ گروه فعلی مبتنی بر تشبیه
- مثل انار ترکیدن
- یک مرتبه مثل انار ترکید و... فریاد کرد. (دید و بازدید، «گلدان چینی»: ۶۰)
- مثل بخت النصر ایستادن
- مثل بخت النصر پشت پنجره ایستادم. (مدیر مدرسه: ۱۱۹)
- ۶-۲-۵ ۶-۲-۵ تعارف، دعا، فحش، قسم و نفرین
- ۱-۶-۲-۵ تعارف
- اختیار دارید. (همان: ۸۲)
- قابل شما را ندارد. (یک چاه و دو چاله: ۱۱)
- ۲-۶-۲-۵ دعا
- اجرتون با حضرت زهرا. (زن زیادی، «سمنوپزان»: ۳۰)
- بلا به دور. (نون والقلم: ۴۴)
- ۳-۶-۲-۵ فحش
- به گور پدر هرچه وارث و موروث است. (همان: ۱۷)
- پدرسگا. (سه تار، «آرزوی قدرت»: ۱۱۸)
- ۴-۶-۲-۵ قسم
- به آن قفلی که خواهم بوسید. (دید و بازدید، «زیارت»: ۳۸)
- به ارواح پدرم. (نون والقلم: ۳۹)

۴-۳-۵. ابدال

- از آثار دوره اوناست. (مدیر مدرسه: ۲۷)
- اگر چونه بزیم یک قرونشم کم می‌کنه... (سه تار، «لاک صورتی»: ۲۹)

۵-۳-۵. افزایش

- اگر این دفعه هم بلا سر همه اومده باشه... (سرگذشت کندوها: ۲۵)
- اگر می‌تونستند به دکون من چپ نیگاه کنن.... (از رنجی که می‌بریم، «آبروی از دست رفته»: ۹۷)

نتیجه‌گیری

۱. داستان‌های مجموعه «نفرین زمین» و داستان‌های «زیارت»، «تابوت»، «نون والقلم»، «سمنویزان»، «ای لاس سببا»، «مدیر مدرسه»، «سنگی بر گوری» و «الگمارک و المکوس» دارای بیشترین بسامد کاربرد عناصر فرهنگ عامیانه (فولکلور) هستند.

۲. توجه به فضای داستان و بکارگیری زبان خاص هر شخصیت، یکی از مواردی است که هنرمندی آل احمد را جلوه‌گر می‌سازد. زبان آل احمد در داستان‌هایش متفاوت و وابسته به نوع و فضای داستان است. در داستان‌هایی که شخصیت‌های آن مردم عادی و متوسط جامعه هستند، زبان شخصیت‌ها زبانی است که از عناصر فولکلوریک و زبان توده مردم بهره می‌گیرد و در جایی که شخصیت‌های داستان افرادی غیرعامی و تحصیل کرده هستند، زبان آل احمد به سمت زبان رسمی پیش می‌رود.

۳. آل احمد در داستان‌های تمثیلی و واقع‌گرایانه خود به طرح مشکلات و مسائل سیاسی و اجتماعی ایران و مردم آن پرداخت. توجه به این نوع مسائل موجب شد تا بیشتر شخصیت‌های داستان‌های او را مردم عادی تشکیل بدهد؛ اما در واقع این شخصیت‌ها، افکار و عقاید خود نویسنده‌اند که شکلی انسانی پیدا کرده‌اند و در قالب یک شخصیت

۵-۲-۵. نفرین

- الهی سر تخته مرده‌شور خانه بیفتد. (زن زیادی، «زن زیادی»: ۱۷۷)
- به کمرت بزنه اون نمازی که می‌خونی. (سه تار، «لاک صورتی»: ۳۹)

۳-۵. شکسته نویسی

منظور از شکسته‌نویسی، تحریف واژه‌ها اعم از عامیانه یا غیر عامیانه به تقلید از طرز تلفظ عوام در زبان روزمره است. شکسته‌نویسی جلوه‌های گوناگونی دارد؛ از جمله: کاهش تعداد هجاها، تغییر الگوهای هجایی و کوتاه شدن آن، تغییر تقطیع هجایی، تغییر نوع مصوت و حذف صامت. شکسته‌نویسی در داستان‌های آل احمد از طریق حذف، ابدال و افزایش واج‌ها و به ندرت از طریق کاربرد گویش‌ها و زبان‌های مناطق دیگر ایران صورت گرفته است.

۱-۳-۵. زبان و گویش‌های محلی

- با لهجه رشتی گفت: نه آقا، چه‌طور مهم نیست آقا. (زن زیادی، «دترچه بیمه»: ۸۵)
- به لری گفت: هی پیاروئی ایسه پسیمون میسی. (نفرین زمین، «حمل»: ۲۳۰-۲۳۱)

۲-۳-۵. زبان کودکان

- وقتی زمینش گذاشتم گفت: مادل، دسس اوخ سده بودس، مادل تجا میلیم؟ (سه تار، «سه تار»: ۱۴)

۳-۳-۵. حذف واج

- این پسر آقاس. (پنج داستان، «گلدسته‌ها و فلک»: ۸)
- امثال شما بایس حق‌شناسی خودتون را نشان بدید. (از رنجی که می‌بریم، «دره خزان‌زده»: ۷)

- یا نامی مشخص، حرف‌هایی را که نویسنده در ذهن دارد، بیان می‌کند.
۴. اغلب داستان‌های آل احمد در ذهن نویسنده یا راوی می‌گذرد و بیشتر در خفایای ذهن شخصیت‌ها یا راوی سیر می‌کند تا دنیای بیرون؛ بنابراین عناصر فرهنگ عامه با توجه به بیان خواسته‌ها و مشکلات مردم و جامعه، فقط در گفته‌ها و زبان شخصیت‌ها خود را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه این افکار در واقع خواسته‌ها، اندیشه‌ها و عقاید خود نویسنده است، آل احمد در این بین، این فرصت را پیدا می‌کند که حرف‌های ناگفته خود را از زبان شخصیت‌ها بیان کند و نظرات شخصی خود را آشکار سازد.
۵. از عواملی که موجب شده آل احمد از زبان عامیانه نسبت به دیگر عناصر فرهنگ عامه بیشتر استفاده کند، شیوه نگارش و سبک نویسندگی اوست. وی سعی دارد با نثری تند و بریده بریده، داستان را پیش برد و زیاد سرگرم جنبه‌های عملی فرهنگ عامه نشود. گفتنی است آل احمد از شکسته‌نویسی به عنوان یک عامل مهم برای تزریق لحن عامیانه به داستان‌های خود استفاده کرده و از عناصر مهم شکسته‌نویسی در داستان‌های او، ابدال و حذف است.
۶. در کل باید گفت تأثیرپذیری داستان‌های آل احمد از فرهنگ عامه به دو عامل: الف) شهر و زادگاه نویسنده؛ ب) موضوع و محیط شکل‌گیری داستان بستگی دارد.
- منابع**
- آل احمد، جلال (بی‌تا). *از رنجی که می‌بریم*. انتشارات جنگل. تهران.
- _____ (۱۳۳۴). *دید و بازدیدی*. انتشارات امیرکبیر. تهران.
- _____ (۱۳۶۲). *مدیر مدرسه*. انتشارات رواق. بی‌جا.
- _____ (۱۳۷۸). *سه تار*. انتشارات آدینه سبز. تهران.
- _____ (۱۳۷۹). *سنگی بر گوری*. چاپ دوم. انتشارات آدینه سبز. تهران.
- _____ (۱۳۸۶). *زن زیادی*. چاپ دهم. انتشارات فردوس. تهران.
- _____ (۱۳۸۸). *سرگذشت کنده‌ها*. چاپ دوم. انتشارات آدینه سبز. تهران.
- _____ (۱۳۸۸). *نصرین زمین*. چاپ دوم. انتشارات آدینه سبز. تهران.
- _____ (۱۳۸۹). *پنج داستان*. انتشارات آدینه سبز. تهران.
- _____ (۱۳۸۹). *یک چاه و دو چاله*. چاپ دوم. انتشارات آدینه سبز. تهران.
- _____ (۱۳۹۰). *نون والقلم*. چاپ سوم. انتشارات آدینه سبز. تهران.
- _____ (۱۳۹۱). *چهل طوطی*. نشر علم. تهران.
- آل احمد، شمس (۱۳۶۹). *از چشم برادر*. انتشارات کتاب سعدی. قم.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱). *فرهنگ و شبه فرهنگ*. چاپ سوم. کشاورز. تهران.
- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۵۲). *تمثیل و مثل*. امیرکبیر. تهران.
- _____؛ محمود ظریفیان (۱۳۷۱). *گذری و نظری در فرهنگ مردم*. انتشارات اسپرک. تهران.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۷). *تقد و نظر (معرفی و نقد آثاری در ادبیات مردم‌شناسی)*. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۸۴). مقاله «فرم‌های مشابه فولکلور، کنجکاوای در جهان هستی». *جام جم*. سال ششم. شماره ۱۴۷۹. ص ۶.
- ثروت، منصور و رضا انزابی نژاد (۱۳۷۷). *فرهنگ معاصر*. انتشارات سخن. تهران.
- حداد عادل، غلامعلی (بهمن ۱۳۸۲). مقاله «درآمدی بر واژه‌گزینی مردمی». *نامه فرهنگستان*. دوره ششم. شماره دوم. ص ۲-۸.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۹). مقاله «فرهنگ فارسی عامیانه یا گفتاری، کدام؟». *نشر دانش*. سال هفدهم. شماره دوم. ص ۵۹-۶۵.

داستان‌های جلال آل احمد. چاپ دوم. نشر روزگار.
شیانو، اویدنسو (۱۳۸۳). مقاله «فولکلور، بیانی از
احساس پژوهش در گذشته و حال». ترجمه کاظم
حمیدی. کتاب ماه هنر. شماره ۷۵. ص ۱۸۴-۱۸۷.
فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مدرن در ایران
معاصر. نسل آفتاب.
قاضیان، حسین (۱۳۸۶). جلال آل احمد و گذار از
سنت به تجدد. چاپ اول. انتشارات کویر.
ماسه، هانری (۲۵۳۷). معتقدات و آداب ایرانی. ترجمه
مهدی روشن ضمیر. موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
تهران.
مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۳). دایرة المعارف فارسی.
چاپ چهارم. جلد دوم. امیرکبیر.
نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی عامیانه.
انتشارات نیلوفر. تهران.
هدایت، صادق (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران گرد
آورنده جهانگیر هدایت. نشر چشمه. تهران.

خرمشاهی، بهاء‌الدین (خرداد - تیر ۱۳۷۹). مقاله «نقطه
عطف در فرهنگ‌نگاری فارسی». شماره ۱۲. ص ۲۵۲-
۳۸۷. بخارا.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۴). امثال و حکم. چاپ هشتم.
جلد سوّم. انتشارات سپهر. تهران.
روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۴). گرد شهر با چراغ. چاپ
دوّم. انتشارات زمان. تهران.
_____ (۱۳۶۵). زمینه فرهنگ‌شناسی. چاپ اول.
عطار. تهران.
_____ (آذر و دی ۱۳۸۱). مقاله «گستره فرهنگ و
فولکلور». کتاب ماه هنر. شماره ۳۹. ص ۶-۹.
ستّاری، جلال (۱۳۵۴). درباره فرهنگ. اداره کل نگارش
وزارت فرهنگ و هنر. تهران.
سمیعی، احمد (۱۳۷۹). نگارش و ویرایش. چاپ دوّم.
سمت. تهران.
شکور زاده، ابراهیم (۱۳۶۳). عقاید و رسوم مردم
خراسان. چاپ دوّم. سروش. تهران.
شیخ رضایی، حسین (۱۳۸۲). نقد و تحلیل و گزیده